داروهای مسهل، مهم‌ترین دسته‌ی دارویی در طب سنّتی ایران

امید صادقپور [الف*]، امیر محمد جلادت [ب]

[الف] گروه گیاهان دارویی و طب سنّتی، موسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران
[ب] دانشکده‌ی طب سنّتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران

چکیده

مقدمه: طب سنّتی ایران دارای سابقه‌ای درخشان با منابع مکتوب فراوان در عرصه‌ی پزشکی است و در درمان بیماری‌ها همچون مکاتب دیگر، از داروها استفاده می‌نماید. یکی از مهم‌ترین دسته‌های دارویی مورد استفاده در این طب؛ مسهل‌ها نام دارند که این داروها به دفع اخلاط فاسد یا به عبارتی مواد زاید از بدن می‌پردازند. در این مطالعه مطالب مربوط به انواع، نحوه‌ی مصرف و مکانیسم اثر این دسته از داروها از منابع مختلف طب سنّتی ایران اعم از نسخ خطی و چاپی کتابخانه‌های مختلف و منابع الکترونیک پزشکی جمع‌آوری گردید. بدین ترتیب مجموعه‌ای از داروهای مسهل طب سنّتی ایران گردآوری شد و آثار این داروها در دفع اخلاط مختلف از دید حکمای طب سنّتی ایران و همچنین موارد مصرف آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

همانطور که در متون طب سنّتی ایران ذکر شده است، پاکسازی بدن از اخلاط فاسد یا مواد زاید از روش‌های اصلی درمان در طب سنّتی ایران می‌باشد و شناخت این روش‌های درمانی و داروهای مورد مصرف در این موارد می‌تواند به عنوان اجزایی از مبانی درمان در مطالعات بالینی متعدد مورد توجه قرار گرفته و حتی نویدبخش بهبودی بیماران به عنوان روشی جایگزین و یا مکمل در روش‌های درمانی رایج امروز باشد.

واژگان کلیدی: طب سنّتی ایران، داروهای مسهل، پاک‌سازی بدن

تاریخ دریافت: اسفند ۸۹
تاریخ پذیرش: خرداد ۹۰

مقدمه:

امروزه شاهد اقبال عمومی به استفاده از روش‌های درمانی طب مکمل و جایگزین هستیم، که در این بین توجه به مواردی که شواهد درمانی موفقیت‌آمیز دارند باید مورد تأکید قرار گیرد. طب سنّتی ایران با پشتوانه‌ی بالینی طولانی و منابع مکتوب متعدد و با الهام گرفتن از مکانیسم‌های دفاعی بدن، از روش‌های درمانی مختلف از جمله داروهای مسهل برای پاک‌سازی بدن استفاده می‌نماید (۱).

تفاوت طب سنّتی ایران با دیگر روش‌های درمانی، در نگاه آن به عالم و اهمیّت ویژه‌ای است که برای قوای درونی انسان (طبیعت) قایل است. طب سنّتی ایران به عنوان یک طب کل‌نگر؛ انسان را موجودی می‌بیند که توان درمانی خویش را از خالقش به ودیعه گرفته است، چنانکه حکیم میرزا احمد تنکابنی در مطلب السؤال می‌فرماید: "معطی صحت و شافی علّت در حقیقت، حکیم علی الاطلاق است و معالج در حقیقت قوّت طبیعت است نه طبیب." (۲)، پس انسان دارای قوه‌ی نگاه دارنده‌ی تندرستی است و وظیفه‌ی طبیب خدمت به این قوه است، همچنان که ابن ماسویه می‌گوید "سزاوار است پزشک همان فعل طبیعت را به وجود آورد هر چند که درمان به درازا کشد" (۳).

یکی از روش‌های طبیعت (قوه‌ی مدبره‌ی انسان) (٤) در مبارزه با بیماری، دفع ماده‌ی زاید از بدن است، معنای پاکسازی بدن از مواد زاید (استفراغ بدن)؛ در طب سنّتی ایران و دیگر مکاتب طبّی شرق نظیر آیورودا؛ اهمیت بالایی دارد (۵). این پاک‌سازی، به روش‌های مختلفی صورت می‌گیرد که از آن جمله است؛ اسهال، قی، فصد، حجامت و حقنه (۸-٦). اسهال؛

* فرد مسوول مکاتبات: irsadaru@gmail.com

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-13]

از جمله قدیمی‌ترین روش‌های درمانی مورد استفاده توسط حکما و الهام گرفته از طبیعت مدبره‌ی بدن است و به عنوان روشی از روش‌های دافع مواد زاید یا فاسد از بدن، به صورت طبیعی و یا با تجویز داروهای مسهل توسط طبیب صورت می‌پذیرد (۹).

جایگاه اسهال در طب سنتی ایران:

تنقیه یا استفراغ به معنای پاک‌سازی بدن؛ به طور عمده درمان اصلی آن دسته از بیماری‌هایی است که در طب سنّتی ایران در بخش سوء مزاج‌های مادی طبقه‌بندی می‌شوند (۸-٦)، توضیح آنکه بیماری‌ها در طب سنّتی ایران؛ به دو دسته‌ی مفرد و مرکب تقسیم می‌شوند و بیماری‌های مفرد را می‌توان شامل بیماری‌های تابع سوءمزاج، تابع سوء هیئت ترکیب و تابع تفرق اتصال دانست. به عبارتی دیگر هر گاه خلط طبیعی یا غیرطبیعی در بدن افزایش یابد و کیفیت یک عضو یا همه‌ی بدن را تغییر دهد، اسهال می‌تواند مرحله‌ی اوّل درمانی و اصلی‌ترین بخش درمان باشد، به نحوی که ابن سینا در مبحث معالجات کتاب قانون آورده است: در مواردی که ماده‌ی زاید باعث سوءمزاج شده باشد، استفراغ به تنهایی می‌تواند برای درمان کافی باشد (۸-٦).

تجویز استفراغ در طب سنّتی ایران، شرایط متعددی دارد که از مهم‌ترین آن‌ها توجه به قوه‌ی مریض است، البته نوع ماده‌ای که استفراغ آن مد نظر است و جایگاه ماده به علاوه جهت میل آن وقت مرض، حاد و مزمن بودن آن و زمان انجام استفراغ نیز در انتخاب شیوه‌ی پاک‌سازی بدن دارای اهمیّت هستند که پرداختن به آن‌ها در قالب این مقاله نمی‌باشد (۸-٦).

امّا از بین روش‌های مختلف پاک‌سازی بدن؛ اسهال، با توجه به راندمان آن برای پاک‌سازی و آسانتر بودن آن برای بدن، همواره به عنوان اوّلین روش‌ها مد نظر بوده است و جایگاه ویژه‌ای در درمان دارد، چرا که به گفته‌ی شیخ الرئیس مسهل می‌تواند مواد را هم از بالای تن و هم از پایین بدن جذب و دفع کند و در دفع مواد استقرار یافته نیز توانا می‌باشد، در حالی‌که مثلاً قیء عمدتاً مواد را از پایین تن جذب و دفع می‌نماید (٦).

مصرف مسهل‌ها علی‌رغم تأثیرشان در دفع اخلاط فاسد، دارای ملاحظاتی نیز می‌باشد. به طور مثال باید از مصرف زیاد مسهل پرهیز نمود زیرا اثر داروی مسهل در بدن همچون اثر صابون در شستن لباس است، که با وجود اثرش در پاک کردن آن، باعث کهنگی لباس نیز می‌شود (۲). به همین دلیل مصرف مسهل‌ها همواره با مقدمات تجویز منضج اخلاط همراه بوده و پس از تجویز آن‌ها، توصیه به استراحت و بوییدن بوهای ضد تهوع می‌شود (۱۰).

مکانیسم عمل داروهای مسهل در طب سنّتی ایران:

در خصوص اینکه چگونه داروی مسهل اثر می‌کند دو نظریه مطرح شده است، نظریه‌ی اوّل که جالینوس عنوان می‌نماید، نظریه‌ی جذب ماده به دلیل مشاکلت بین دارو و ماده‌ی زاید در بدن است. به عبارت دیگر ماده، جذب دارویی می‌شود که در جوهر خود با آن مشاکلت دارد و جالینوس بر این رأی است که داروی مسهلی که سمیّت ندارد هنگامی که عمل نکند (اسهال ندهد) و باقی بماند همان خلطی را تولید می‌کند که جذب می‌کند. شیخ الرئیس نظریه‌ی فوق را صحیح نمی‌داند، بلکه جذب ماده را به قوه‌ی جاذبه‌ای نسبت می‌دهد که در دارو موجود است، نه به مشاکلت و دلیل آن‌را اینگونه بیان می‌نماید که: اگر جذب به مشاکلت می‌بود لازم می‌شد که مقدار زیاد آهن، آهن را به خود جذب کند، در حالی که این طور نیست، بلکه وقتی دارو در طریق دفعش به امعاء می‌رسد در آن‌جا طبیعت را تحریک به دفع ماده‌ی فاسد می‌نماید. وی معتقد است که داروی مسهل اکثر قوه‌ی جذب خود را از طریق عروق اعمال می‌کند، مگر موارد محدودی که مجاورت زیاد است و دارو می‌تواند خلط را از مسیر غیر عروقی هم جذب نماید مانند جذب اخلاط از ریه به معده و امعاء (٦).

حال این سؤال مطرح می‌شود که چگونه و چرا دارو به همراه ماده‌ی مجذوب به امعاء بر می‌گردد؛ حکما معتقدند که دارو، خود از امعاء جذب نمی‌شود بلکه قوه‌ی آن است که همچون قوه‌ی مغناطیسی، مواد را به سمت امعاء می‌کشد و دلیلی که بر این مطلب آورده‌اند، این است که مقدار ماده‌ی دفعی با مقدار داروی مورد استفاده برای دفع آن تناسبی ندارد. به طور مثال اگر فردی مقدار کمی شحم حنظل بخورد

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-13]

مقداری که پس از توزیع آن در بدن، به هر عضو می‌رسد بسیار کم خواهد بود درحالی که مقدار اخلاط کنده و دفع شده توسط آن زیاد است (۷).

سیّد اسماعیل جرجانی در کتاب ذخیره‌ی خود، رسیدن قوّت دارو به موضع اثر را وابسته به عبور آن از عروق نمی‌داند چرا که به نظر ایشان قوت دارو جسم نیست و به همین دلیل است که قوّت ضماد می‌تواند از پوست و گوشت و عصب و استخوان بگذرد و به درون بدن اثر گذارد، بنابراین معتقد است که این قوّت دارو است که به موضع اثر می‌رساند نه جرم آن (۷).

انواع مسهل‌ها:

داروهای مسهل دارای طعم‌های متفاوتی هستند، برخی شیرین‌اند همچون ترنگبین و خیار شنبر، برخی شورند، چون بوره و نمک و بعضی تیزند مانند سقمونیا و شحم حنظل و تربد. امّا به طور عمده از دیدگاه طب سنّتی ایران داروهای مسهل اثر خود را با خاصیت مسهلی خود اعمال می‌کنند، یعنی خاصیتی که حاصل کنار هم قرار گرفتن عناصر و ارکان و نوع و ترکیب گوهرهای موجود در دارو و نسبت ویژه‌ی بین کیفیت و کمیت آنها است، درست مانند قوه‌ی جاذبه‌ی مغناطیسی در آهن ربا که در واقع برای آن یک خاصیت به حساب می‌آید، بنابراین قوّه‌ی اسهال از کیفیت دارو صادر نمی‌شود، هرچند که کیفیت دارو، همچون طعم در این امر تأثیر گذار است (۱۲-۱۱،٦).

تقسیم بندی مسهل‌ها بر اساس عملکرد:

مسهل‌ها از نظر نوع اثر به چهار دسته تقسیم می‌شوند که مکانیسم عمل هر کدام با دسته‌ی دیگر متفاوت است.

الف: داروهایی که با تحلیل و تذویب همراه با خاصیت عمل می‌کنند مثل شحم حنظل و خربق سیاه، سقمونیا و تربد.

ب: داروهایی که با عصر (فشردن) همراه با خاصیت؛ اسهال می‌دهند، مانند داروهای قابض و عفص یعنی شحم انار (بافت سفید مابین دانه‌های انار) و هلیله.

ج: داروهایی که با تلیین همراه با خاصیت؛ اسهال می‌دهند چون شیرخشت

د: داروهایی که با ازلاق (لغزندگی) اسهال می‌دهند، مانند لعاب بزرقطونا و آلو.

به طور کلی طعم‌های تلخی و تندی به ایجاد تحلیل کمک می‌کنند، گسی (عفوصت) نیز به عُصر و فشردن کمک رسانده و ترشی (حموضت) با تقطیع خود کمک کننده‌ی ازلاق می‌باشد. البته همانگونه که قبلاً گفته شد، استفراغ این داروها به سبب طعم آن‌ها نیست یا به عبارت دیگر هر چیزی‌که دارای طعم‌های مذکور باشد، اثر مسهلی ندارد، امّا تیزی دارو همیشه قوه‌ی اسهال را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود تا دارو زودتر نفوذ نموده و به همه‌ی بدن برسد و به دنبال آن خلط را رقیق کرده و به حرکت درآورد، از این رو است که طبیبان تنها داروهای تیز را مسهل نامیده و سایر داروها را ملین می‌دانند، چراکه داروهای قابض و لزج و شیرین و شور استفراغ اندک داشته و مواد را جز از معده و روده استفراغ نمی‌دهند (٦،۸،۱۱).

ویژگی‌های مسهل‌ها در ایجاد اسهال:

هر نوع از داروهای مسهل ممکن است اسهال دهنده‌ی یک یا چند خلط ویژه و به مقادیر متفاوت باشند، به طور مثال سقمونیا به عنوان مسهل صفرا از کل بدن شناخته می‌شود و این به دلیل قوه‌ی ویژه‌ای است که در آن وجود دارد، همچنین در مورد سنگ ارمنی در اسهال سودا و غاریقون در اسهال بلغم از بدن. امّا مسهل‌ها همواره یک خلط را از بدن خارج نمی‌کنند، بلکه مسهل‌هایی هم هستند که بیشتر از یک خلط را دفع می‌کنند مانند صبر که بلغم و صفرا را و شحم حنظل که بلغم و صفرا و سودا را دفع می‌نماید. حتّی برخی ادویه‌ها نوع خاصی از یک خلط را دفع می‌نمایند به طور مثال تُربد بیشتر اسهال بلغم لطیف می‌دهد و هر گاه این دارو را با زنجبیل همراه نمایند، اثر آن تقویت شده و بلغم غلیظ را نیز دفع می‌کند، مثال‌های دیگر شامل شحم حنظل است که بلغم لزج را اسهال می‌دهد و غاریقون بلغم رقیق، افتیمون سودای غیرمحترقه، سنا سودای محترقه، سقمونیا صفرای لطیف و غلیظ و شراب گل سرخ مکرر، صفرای لطیف را دفع می‌کنند (۱۱).

مسهل‌ها از نظر قوت و سرعت اثر نیز با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند، چنانکه شحم حنظل اسهال بلغم بیشتری در مقایسه با همان مقدار تربد می‌دهد، یا سقمونیا در مقایسه با تربد سریع‌تر در بدن

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-13]

اثر می‌کند (۱۱). امّا همانگونه که در کتب طب سنّتی ایران مذکور است، مواد زاید و اخلاط دفعی همیشه در یک بافت یا اندام وجود ندارند و بنا به تفاوت محلی که این مواد انباشته می‌شوند یا بیماری ایجاد می‌کنند، دفع آن‌ها نیز دارای ویژگی‌های متفاوتی می‌باشد، بنابراین شایسته است که مسهل‌ها نیز در اسهال اخلاط از اعضای مختلف یکسان عمل نکنند، به نحوی که این تفاوت‌ها، هر کدام از این داروها را ویژه‌ی یک عضو قرار داده است، به طور مثال به تجربه مشخص شده است که صمغ‌ها مسهل ویژه‌ی وترها و غشاها می‌باشند و یا شحم حنظل مسهل ویژه‌ی دماغ و اعصاب و سورنجان خاص مفاصل است. این تفاوت‌ها نه تنها در محل اثر بلکه در عوارض این داروها نیز مطرح بوده است، به طور مثال سقمونیا برای کبد، شحم حنظل برای امعاء، صبر برای راست روده (معای مستقیم) و سورنجان برای معده مضر است (۱۱).

به هر حال داروهای مسهل اعم از مفرد و ترکیبی بسته به جایگاه مصرف خود به اشکال متفاوتی چون جوشانده، شربت، حب‌ها و ... تجویز می‌گردند که بحث در مورد خصوصیات و شرایط مصرف آن‌ها موضوع این مقاله نمی‌باشد. مثال‌هایی از مهم‌ترین داروهای مسهل در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. مهمترین داروهای مفرد مسهل در طب سنتی ایران (۸، ۱۱، ۱۳)

دارو	فعل
آلو	بهترین ادویه مسهل صفرا است
اسطوخودوس	مسهل سودا و بلغم
افتیمون	مسهل سودا و بلغم
افسنتین	مسهل صفرا از معده و کبد و مفتح سدد
انجره	مسهل ماء اصفر و بلغم
انزروت	مسهل بلغم غلیظ و خام به ویژه از مفاصل و ورک (مخصوصاً با هلیله و تربد و سکنجبین)
ایرسا	مسهل ماء اصفر و فضول مائیه و بازکننده سده‌های سینه
پرسیاوشان	مسهل بلغم و سودا و خارج کننده‌ی فضولات از نواحی سینه و ریه
برنج کابلی	قاطع بلغم خام از مفاصل و مسهل بلغم از امعا
بسفایج	مسهل سودا
پیاز عنصل	مسهل اخلاط غلیظ
بلیله	مقوی معده و ملین به عَصر
بنفشه	مسهل صفرا به خاصیت
بوزیدان	منقی عصب و مفاصل از اخلاط سرد بلغمی
تربد	مسهل بلغم رقیق
ترنجبین	مسهل صفرا به رفق
تمر هندی	مسهل صفرا و اخلاط محترقه
جاوشیر	مسهل بلغم خام و اوجاع مفاصل
حاشا	اسهال بلغم بدون اذیت
حب‌النیل	مسهل اخلاط غلیظه از بلغم و سودا به قوت
حب الخروع	مسهل بلغم
حب البان	مسهل بلغم خام
حجر لاجورد	مسهل سودا

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-13]

دارو	فعل
خربق اسود	مسهل سودا از تمام بدن بدون اکراه و آن را مسهل بلغم و صفرا نیز گفته‌اند
خیار شنبر	مسکن حدت خون و ملین سینه و محلل قولنج (و با تربد و مانند آن مسهل بلغم و رطوبات)
دند	مسهل سودا و بلغم به افراط و منقی مفاصل و باعث سحج
ریوند	مسهل بلغم و منقی دماغ
سپستان	ملین شکم، مسکن عطش، شکننده تندی سودا
سقمونیا	مسهل مره صفرا
سنا مکی	مسهل صفرا و سودا از اعماق بدن و آن را مسهل بلغم نیز گفته‌اند.
سورنجان	مسهل بلغم از مفاصل (و با وجود آن مقوی مفاصل)
شاهتره	مسهل صفرا و اخلاط محترق و بلغم بورقی
شیر خشت	مسهل صفرا و در اسهال قوی‌تر از ترنجبین است
صبر	مسهل صفرا و رطوبت‌ها از معده و دماغ و مانع صعود بخار به سوی آن و منقی اعصاب چشم
غاریقون	بیشتر از سودا مسهل بلغم است و بیش از صفرا، مسهل سودا است*
فانیذ	ملین طبع (قوه‌ی تلیین نوع سنجری آن بیشتر از خزائی آن است)
فرفیون	مسهل ماء اصفر و اخلاط غلیظه
فودنج	موجب اطلاق شکم و مسهل سودا
قثاء الحمار	مسهل بلغم غلیظ و ماء اصفر و مره سودا
قنطوریون	مسهل بلغم لزج مخلوط به مره صفرا
کشوث	دباغی کننده معده و عروق از صفرا و اخلاط عفونی و بازکننده سده های کبد و تبهای کهنه
کافشه (تخم)	اسهال بلغم
لبلاب	مسهل صفرا به رفق
ماءالجبن	استفراغ دهنده اخلاط مختلف
هلیله زرد	مسهل صفرا و رطوبات به عَصر
هلیله کابلی	مسهل سودا و بلغم و منشف آنچه در معده است و مسهل اندک مره صفرا
هلیله سیاه	قریب به کابلی و اختصاص این دارو به سودا بیشتر است

*منقی فضول دماغ و اعصاب به خاصیت، و فضول ریه، و مقطع و مسهل اخلاط غلیظ کدر

بحث و نتیجه گیری:

توجه به مسهل‌ها به عنوان بخشی از مراحل درمان در طب سنّتی ایران بسیار حائز اهمیت است، به نحوی که در بیماری‌هایی که مسبب آن‌ها مادی است، درمان با استفاده از مسهل‌ها رایج می‌باشد. به عبارتی منظور از اسهال در طب سنّتی، تنها افزایش حرکات دودی دستگاه گوارش نیست، بلکه اقدامی است هوشمندانه در دفع مواد فاسد از بدن به طریقی که برای بدن آسان‌تر بوده و طبیعت بدن به آن عادت دارد.

حال اگر در کنار روش‌هایی که امروزه برای درمان مطرح هستند (همچون استفاده از داروهای آنتی‌باکتریال) به روش‌هایی جهت تسریع در دفع مواد بیماری‌زا از بدن توجه شود، ممکن است در سیر بهبودی تسریع شود، عوارض داروها کاهش یابد و

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-13]

یا دوز داروی مصرفی در بیماران کاهش یابد. در این میان به نظر می‌رسد داروهای مسهل برتری دارند، چرا که دستگاه گوارش و امعاء در بدن به عنوان مسیر طبیعی دفع شناخته می‌شوند و اگر وجود ماده‌ای در بدن باعث ایجاد بیماری شده باشد، طبیعت بدن مایل به دفع آن از طریق روده‌ها است و تجویز مسهل به این عمل کمک می‌نماید. بنابراین شاید بتوان تجویز مسهل‌ها را با توجه به مشاهدات تجربی آن‌ها در طی سالیان دراز، شواهد مکتوب تأثیر آن‌ها در منابع طب سنّتی ایران و تعیین جوانب مختلف آن‌ها، همچون دوز داروها، محل اثر و شرایط تجویز آن‌ها؛ به عنوان روشی کمک کننده و یا حتّی بخشی از مراحل درمان در پزشکی امروز مورد توجه قرار داد.

به عنوان مثال به ذکر یک روش درمانی در طب سنّتی ایران برای مفصل دردی که همراه با تجمع ماده باشد پرداخته می‌شود:

از دیدگاه طب سنّتی ایران درد مفاصل دست و پا می‌تواند بدون ورم (ساده) و یا با ورم (مادی) باشد که نوع مادی شایع‌تر بوده و البته می‌تواند مرکب از چند نوع ماده (خلط) باشد، امّا به طور کلی شیوع درد مفاصل در اثر خلط بلغم بیشتر است. از دیدگاه طب سنّتی ایران درد مفاصل دارای یک سبب فاعلی است که آن را سوء مزاج گرم یا سرد یا خشک در کل بدن یا در یکی از اعضای رئیسه می‌دانند و این سوء مزاج ممکن است ساده یا مادی باشد. درد مفاصل مادی دارای دو سبب کلی است یکی ضعف مفاصل و دیگری اجتماع یا انصباب (ریختن) ماده به عضو مربوطه. ضعف مفاصل نیز به دو دلیل ممکن است به وجود بیاید، یکی سوء مزاج مستحکم عضو به ویژه سوء مزاج سرد و دیگری ضعف مفصل در خلقت آن، البته اجتماع و انصباب ماده به مفصل نیز دارای اسباب متعددی چون ترک ورزش، ضعف هضم، خوردن غذاهای غلیظ و ... می‌باشد. همانطور که در متون طب سنّتی ایران مذکور است، علایم نوع بلغمی شامل مواردی چون: سنگینی زیاد، درد متوسط، ورم نرم و اندک بدون حرارت و التهاب و غیره می‌باشد، که در درمان آن پس از مهیا نمودن ماده برای دفع (نضج خلط) از داروهای مسهل استفاده می‌شود و سپس تعدیل مزاج عضو و تقویت آن انجام می‌شود (۱۳).

از داروهای مسهل که در دردهای مفاصل به کار می‌رود سورنجان (*Colchicum speciosum*) است. سورنجان به سبب قوه‌ی مسهلی که دارد در اکثر دردهای مفاصل مادی کاربرد دارد و این دارو می‌تواند ماده‌ی دردآور را از مفصل پاک کند، امّا باید خاطر نشان کرد که سورنجان برای معده بسیار مضر است، لذا بهتر است که با زیره و زنجبیل مصرف شود تا به معده زیان نزند یا در برخی منابع معتقدند که باید همراه با شکر و اندکی زعفران استفاده شود، به جهت آنکه زعفران معده را تقویت می کند و در نتیجه مانع از ایجاد ضرر سورنجان در معده می‌شود. به علاوه همراه کردن صبر و سقمونیا در فرآورده‌هایی که اصل و عمود آن‌ها این گیاه است موجب سرعت خروج آن از معده و تقویت قوه‌ی اسهال سورنجان می‌شود. از سوی دیگر مصرف این گیاه در مفاصل به ویژه مفاصل انگشتان سختی و تحجر ایجاد می‌نماید؛ بنابراین توصیه می‌شود هنگام مصرف با موم روغن و مانند آن مفاصل را چرب سازند تا این اعضا از ضرر آن محفوظ باشند (۱۵-۱٤).

همانگونه که در مثال دیده می‌شود سورنجان در طب سنّتی ایران به عنوان مسهل اخلاط مفصل شناخته می‌شود، هر چند اطلاعات جدیدی از مکانیسم اثر ترکیبات آن بر روی چرخه‌ی میتوز سلول‌ها کشف شده است، امّا این مطلب چیزی از اهمیت آن به عنوان یک داروی مسهل در طب سنّتی ایران نمی‌کاهد. باید خاطر نشان کرد که مبانی طب سنّتی و سبب بیماری‌ها در این طب از آنچه در پزشکی امروزی به آن پرداخته می‌شود متفاوت است و شاید همین تفاوت‌ها باعث شده است که آن را به عنوان مکتبی جداگانه معرفی نمایند.

منابع

1. Najm-Abadi M. *The History of Medicine in Iran after Islam*. Tehran: Tehran University Press; 1975.
۲. تنکابنی، میرزا احمد: مجموعه‌ی آثار حکیم میرزا احمد تنکابنی (مطلب السؤال، رساله‌ی اسهالیه، ترجمه‌ی برءالساعه). تصحیح:

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-13]

رستم بخش، محمد رضا؛ یزدانی، منصوره؛ تفقد، رشید؛ رضایی زاده، حسین. المعی، تهران، صص:٤٥-٣١، ١٣٨٨.

٣. ابن هندو، ابوالفرج علی بن الحسین: مفتاح الطب و منهاج الطلّاب. مؤسسه البلاغ، بیروت، ص:٢١، ١٤٤٢ هـق.

٤. ارزانی، محمداکبر: مفرح القلوب (شرح قانونچه در طب). مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، نسخه‌ی چاپ سنگی کشمیری، لاهور، ص:٣، ١٣٣٣هـق.

5. MacIntosh A, Ball K. The effects of a short program of detoxification in disease-free individuals. *Altern Ther Health Med* 2000;6(4):70-6.

٦. پورسینا، حسین بن عبدالله: القانون فی الطب. نسخه‌ی چاپ سنگی. مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، صص:٣٠-١٢٠، ١٢٩٥ هـق.

٧. جرجانی، سید اسماعیل: ذخیره‌ی خوارزمشاهی. تصحیح: مصطفوی، جلال. ج.٣. انتشارات انجمن آثار ملی، تهران، صص:٦٦-٤٠، ١٣٥٦.

٨. عقیلی خراسانی، محمد حسین: خلاصة الحکمة. تصحیح: ناظم، اسماعیل. ج.٢. اسماعیلیان، قم، صص:١١٨٤-١٠٩٢، ١٣٨٥.

٩. ناظم، اسماعیل: طبیعت در پزشکی ایرانی. چاپ اوّل. انتشارات آبژ، تهران، صص:٦٣،٨٥،٢٤٠، ١٣٨٩.

١٠. الجغمینی، محمود بن محمد: القانون الصغیر فی کلیات طب (قانونچه). حبل المتین، قم، ص:١١٠، ١٣٨٣.

١١. عقیلی علوی خراسانی، محمد حسین: مفردات مخزن الادویة. تصحیح: موحد ابطحی، سید علی. چاپ اوّل. انتشارات مهربخش، قم، ١٣٨٦.

١٢. شیرازی، قطب الدین محمود بن مسعود: تحفه سعدیه. ج.٢. نسخه‌ی چاپ سنگی، مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، صص:١٧-٥٠٩، ١٣٨٧.

١٣. اعظم خان، محمد: اکسیر اعظم. ج.٤. مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، صص:٤٠-٢٨، ١٣٨٧.

١٤. سلطانی، ابوالقاسم: دایرةالمعارف طب سنّتی (گیاهان دارویی). ج.٢. چاپ اوّل. انتشارات ارجمند، تهران، صص:٣٠٢-٢٩٥، ١٣٨٤.

١٥. القرشی، علاءالدین (ابن النفیس): الشامل فی صناعة الطبیة. تحقیق: زیدان، یوسف. ج.١٦. المجمع الثقافی، ابوظبی، صص:٩-٩٣، ٢٠٠٢.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-13]

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-13]